

نشست علمی تخصصی هنر ، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۳

عنوان: شاهنامه در ادبیات و هنر

سخنرانان و اعضای پنل: آقای مهندس داود خطیبی تبار، آقای شهريار سيروس

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

سخنران اول آقای مهندس داود خطیبی تبار، سخنران اول جناب آقای مهندس داود خطیبی تبار، وی به وضعیت ایران در دوره فردوسی اشاره می‌کند، در آن زمان ایران دچار تلاطم شدید و بی نظمی شده بود و جامعه از جمله زبان رو به پوسیدگی بود. در این زمان بود که فردوسی آمد و زبان پارسی را زنده کرد و برای آن استخوان بندی قائل شد. به طوری که در جایی می‌گوید " عجم زنده کردم بدین پارسی "

حدود ۳۰۰-۴۰۰ سال، ایران در دست افرادی بود که اعلام آزادی می‌کردند و هنرشان بر هم ریختن خرد افراد جامعه و نابودی گذشته بود. هدف فردوسی از شاهنامه، برگرداندن عزت و غرور جامعه بود. جامعه‌ای که مورد تحقیر عرب‌ها قرار گرفته بود، توسط الفاظی که معانی توهین آمیزی داشت. آقای مهندس خطیبی تبار در آخر، با خواندن بخشی از شاهنامه به سخنرانی خود خاتمه دادند.

سخنران دوم آقای شهريار سيروس، سخنران دوم جناب آقای شهريار سيروس، وی در ابتدا از جایگاه شاهنامه و فردوسی در فرهنگ ایران صحبت می‌کند. بدین گونه که فردوسی در یک نقطه عطف بحرانی ظاهر می‌شود، که از یک جهت نقطه بحرانی سیاسی است، از جهتی دیگر، فرهنگی است و تا حد زیادی زبانی هم است. نکته جالب اینکه فردوسی در خلق شاهنامه، یگانه نیست و همزمان با او، حدود ۸ نفر دیگر هم دست به شاهنامه نویسی می‌زنند؛ از جمله دقیقی، که قلم خوبی هم داشت و فردوسی در جایی از نوشته‌هایش به وی اشاره می‌کند. آقای شهريار سيروس دست آورد های ادبی شاهنامه را به سه شاخه تقسیم می‌کند :

شاخه اول :

فردوسی هویت ملی ایران را که به شدت مورد فراموشی سپرده شده بود، به ایران برمی‌گرداند. بخش مهمی از هویت ملی به تاریخ برمی‌گردد و در گذشته تعریف می‌شود.

شاخه دوم :

فردوسی به ما اسطوره می‌دهد و بدین وسیله، خط مشی یک جامعه را تعریف می‌کند. مصادیق خوبی و بزرگواری و بر عکس زشتی و بد کرداری را نمایان می‌کند. جنگ بین رستم و سهراب، اوج معیارها و اسطوره هاست. فردوسی در مضامین اسطوره ای، چالش های اخلاقی به وجود می‌آورد؛ چالش هایی بین فضیلت ها. در جایی فردوسی با یک شاهکارهایی، بین فضیلت ها یک تعادل برقرار می‌کند.

شاخه سوم :

دست آورد سومی که فردوسی به ما می دهد، زبان فارسی است. "بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی" فردوسی زبان پارسی را نه تنها ویرایش، بلکه آرایش هم می کند. زبانی که آن زمان از یک طرف توسط عرب ها و از طرف دیگر، توسط ترک ها مورد حمله قرار گرفته و رو به نابودی بود.

آقای سیروس قبل از اینکه از جایگاه شاهنامه در نقاشی بگوید، به مقدمه ای از نقاشی اشاره می کند. نقاشی در ایران بر خلاف ادبیات آن، بایک داستان غم باری رو به رو است. ادبیات فارسی، مردمی ترین و گسترده ترین هنری است که تا همین امروز در حوزه تمدن فارسی زبان حضور دارد، در حالی که نقاشی اینطور نیست. زیرا! ایران زمین، از حمله اسکندر و ماقبل آن و کوچ های بزرگ در ۱۰،۰۰۰ سال پیش گرفته تا امروز، نا امن ترین محدوده دنیا بوده است. ادامه داشته است. نا امنی، آفت نقاشی است. وقتی شما در محیط نا امن هستید، نقاشی ها کوچک و کوچک تر می شوند. تا جایی که نقاشی در ایران جنبه تصویرگری پیدا می کند تا نقاشی. وی سه خصوصیت برای نقاشی ایرانی معرفی می کند.

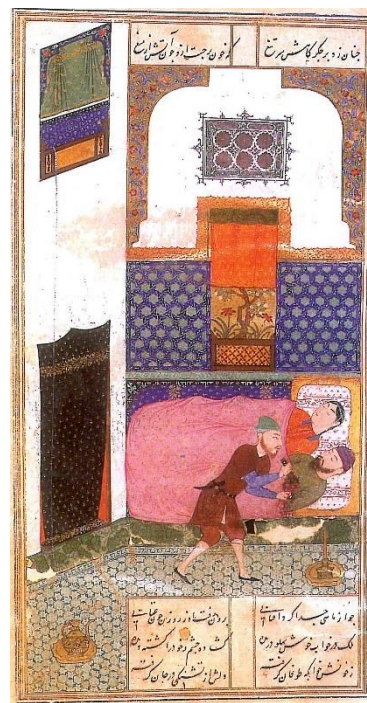
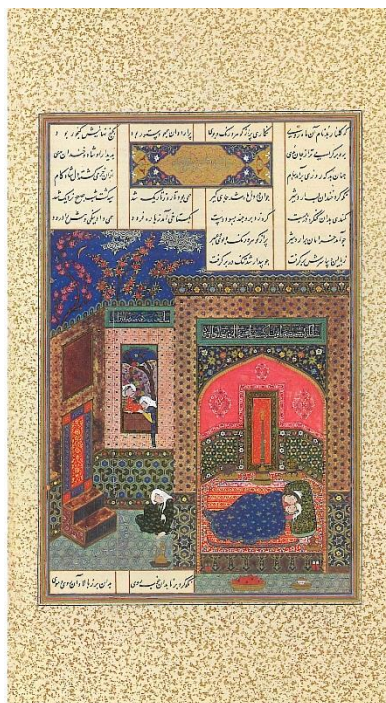
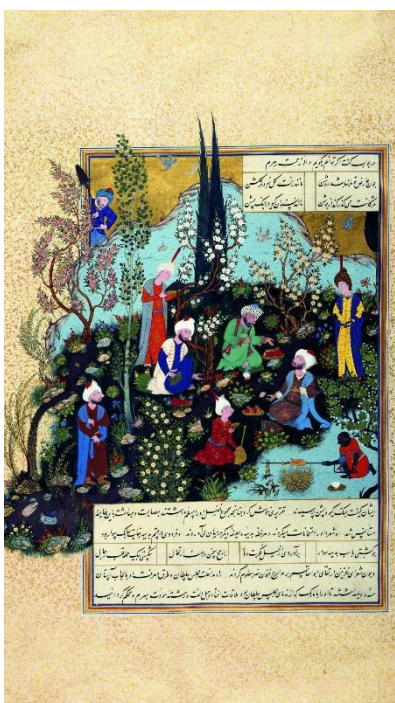
خصوصیت اول :

ایران بر خلاف غرب، حامی هنر ندارد. چنان چه در غرب، دو دستگاه مستقل و ثروتمند، حامی هنر هستند.

۱- دستگاه ودلت و نظام سیاسی ۲- نظام مذهبی و کلیسا

خصوصیت دوم :

همبستگی ناگزیر نقاشی ایرانی با ادبیات فارسی است. زیرا ادبیات رسوخ بسیار زیادی در فرهنگ فارسی دارد. در واقع داستان به شکل تصویر در می آمد. نقاشی ها همواره باید یک پیامی را می رساندند. ولی نقاشی در غرب فقط داستان سرایی نبوده است، گاهی هم احساسی را منتقل کرده یا ترکیبی را ساخته اس



خصوصیت سوم :

نقاشی در ایران ریشه تاریخی و مذهبی دارد.نه فقط اسلامی بلکه زرتشتی،میتراپی و ...را هم در بر می گیرد.شاهنامه از زمان سروده شدن،به تصویر در آمده است و به خاطر خصلت های داستان سرایانه خود،قابلیت تصویرگری فوق العاده ای دارد.به طوری که ۷۰ درصد تاریخ نقاشی ایران به شاهنامه بر می گردد.

